



۴۱ نکته تطبیقی قسامه - بخش پایانی

قاعده لوث و قسامه*

در شماره‌های قبلی به سی و چهار نکته اساسی در باب قاعده لوث و قسامه اشاره شد. در این شماره با ارائه هفت نکته دیگر به این مبحث خاتمه می‌دهیم.

نکته سی و پنجم: اثبات مجازات تعزیری از طریق قسامه

آیا اجرای قسامه در جرایم تعزیری مانند تبصره ذیل ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی سزایت دارد یا خیر؟ یا به عبارتی دیگر آیا قسامه فقط دیه را ثابت می‌کند یا مثبت مجازات تعزیری نیز هست؟

نظر اکثریت:

ادله اثبات دعوی مشخص می‌باشد و قسامه یکی از ادله خاص جهت اثبات دیه یا قصاص است و به عبارت دیگر یک طریق استثنایی است و تنها دیه و یا قصاص را ثابت می‌کند نه مجازات تعزیری. در قسامه قاضی علم به ارتکاب بزه توسط جانی حاصل نمی‌نماید و دیگر ادله نیز فراهم نیست و بلکه شارع جهت جلوگیری از سفک دماء مسلمین آنرا برای تحمیل قصاص و یا دیه بر جانی که در خفاء جنایتی مرتکب شده و مجنی علیه و یا اولیاء وی یا علم به ارتکاب آن از ناحیه فلان جانی داشته ولیکن ادله‌ای جهت احراز موضوع نداشته‌اند وضع نموده است و صرفاً در قدر متیقن آن بایستی اعمال شود.

نظر اقلیت:

ما وقتی شخصی را با توسل به قسامه به مجازات قصاص محکوم می‌کنیم به طریق اولی می‌توانیم شخص را به مجازات تعزیری علاوه بر دیه محکوم کنیم و مبنای این استدلال تمسک به قیاس منصوص‌العله می‌باشد.

نظر کمیسیون:

نشست قضایی^(۱) جزایی: همانطور که در نظریه اکثریت نیز آمده است مطابق ماده ۲۳۱ قانون مجازات اسلامی قسامه یکی از ادله اثبات دعوی قتل عمد در موارد لوث است. و طبق مواد ۲۵۳ و ۲۵۴ همان قانون قتل شبه عمد و خطای محض و جراحات وارده به اعضا که موجب پرداخت دیه

همین حین آقای... سر رسید و میانجیگری کرد و از همدیگر جدا شدیم و آقای... دستم را گرفت و مرا به سوی منزل هدایت نمود و من در حین رفتن به منزل به مقتول توپ و تشری زدم که شکایت پسر را به قانون الهی می‌برم که ناگهان متوجه شدم با پشت به زمین افتادم... مشاجره را قبول دارم ولی درگیری را قبول ندارم...

دادگاه کیفری یک... با توجه به محتویات پرونده و اجرای مراسم قسامه متهم را به قصاص نفس پس از تضمین سهم‌الدیه صغار محکوم نموده که مورد اعتراض وکیل محکوم علیه قرار گرفته و شعبه محترم دیوان بشرح ذیل اظهار نظر نموده است.

نظر شعبه دیوان در نقض رأی دادگاه:

«با توجه به مراتب، حصول ظن علیه متهم جدا مشکل بنظر می‌رسد. بنابراین مورد از موارد لوث نبوده بلکه از باب مدعی و منکر است... چون شکات ذیلی علیه متهم ندارند فقط حق استحلاف برای آنها ثابت است علیهذا دادنامه نقض می‌گردد.» (۲۷/۲۶۷/۷۰)

۲-۳۶- رد لوث به لحاظ تعارض در اظهارات و دو شبهه بر مراسم قسامه.

نظر شعبه دیوان در نقض رأی دادگاه:

«بنا به مراتب با این همه اختلاف‌گویی و اظهارات ضد و نقیض که اظهار شده شخص خاصی را نمی‌توان قائل معرفی کرد و ظن بفرودی خاص حاصل نمی‌شود، و اظهارات پدر و برادران و خواهران مقتول که بنقل از مقتول بیان شده هیچ کمکی در حصول لوث نمی‌تواند داشته باشد، چنانچه فرضاً اگر خود مقتول هم زنده بود و شخصی را ضارب معرفی می‌کرد، لوث حاصل نمی‌شود، زیرا مراد از لوث، آن است که از قرائن و امارات خارجی ظن حاصل شود بر صدق ادعای مدعی، نه اینکه صرفاً براساس اظهارات مدعی یا ولی دم ظن و لوث حاصل شود

است و همچنین جرایم موضوع مواد ۴۵۶، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲ و ۴۶۹ مواد دیگر قانون مجازات اسلامی از طریق قسامه قابل اثبات است و ترتیب و آداب و شرایط اجرایی قسامه به روشنی در قانون احصا و مقرر شده است و در موارد جرایم مستوجب تعزیر، ظاهراً نسی که اثبات ارتکاب جرم از طریق قسامه را تجویز نماید، موجود نیست چنانچه جرمی که مجازات آن پرداخت دیه، یا قصاص یا اجرای حد است همزمان با جرم دیگری که درخور مجازات تعزیری است واقع شود، طرق اثبات هر یک از این جرایم همان است که در قانون قید گردیده و اختصاص به همان بزه دارد و بزه مستوجب تعزیر باید به طریقی که از قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری آمده است، مورد پی‌گیری و تحقیق قرار گیرد. توضیح این نکته ضرورت دارد که در امور کیفری قاضی باید مقید به خصوص قانون باشد و تمسک به قیاس اولویت یا منصوص‌العله و... ناقض اصل قانونی بودن جرایم و مجازات آنها است.

نکته سی و ششم: رویه قضایی و قسامه

۱-۲۶- به لحاظ مشکل بودن حصول ظن مورد از موارد لوث نبوده بلکه از باب مدعی و منکر است.

آقای... متهم به قتل عمدی، در صفحه ۳۲ گفته: روز حادثه از سرو صدای دختر و خواهرم متوجه شدم که آنها به پسر مقتول فحاشی می‌کنند. جریان را پرسیدم گفتند که آقای... مزاحم ما شده و حتی پدرش به ما فحاشی می‌کند. بعداً نزد مقتول رفتم و گله کردم که با پسرش پشت بام بودند. بلافاصله پسرش مرا از پشت مورد حمله قرار داد و شخص مقتول نیز از مقابل مرا گرفته و کتک‌کاری کرد. در

وگرنه هیچ دعوی خالی از لوث نخواهد بود چون پیوسته همراه با گفته مدعی یا اولیاء دم است.

در قضیه مطروحه به لحاظ کثرت افراد شرکت کننده در نزاع و تضاد مطالب عنوان شده، حصول ظن نسبت به متهم مشکل بنظر می رسد... بر مراسم قسامه دو اشکال وجود دارد یعنی دو شبهه از نظر شکلی وجود دارد، یکی اینکه برابر گزارش... پادگاه قید شده که اولیاء دم نسبت به شخصی ظنین هستند و از او اعلام شکایت کرده اند، چگونه است که مسئولین قضایی و انتظامی که متصدی تحقیق هستند، علم حاصل نموده اند؟ و اولیاء دم، بدون ارائه دلیل جدیدی علم حاصل نموده اند؟ دیگر اینکه در صورت جلسه اجرای مراسم قسامه مورد قسم نسبت به حلف پدر و یکی از برادران مقتول صریحاً ذکر نشده است... (۱۶/۵۳۲/۷۱)

۳-۳-۳ عدم احراز رابطه خویشاوندان نسبی تعدادی از حالفین یا مدعی

آقای... به اتهام قتل عمدی با چاقو به گردن و بازو منتهی به قطع عروق و اعصاب حیاتی... تحت تعقیب کیفری واقع... دادگاه مورد را از موارد لوث تشخیص داده، از متهم خواسته تا دلایل بی گناهی خود را ارائه کند، جواب داده دلیلی ندارد... دادگاه از بستگان معرفی شده از جانب اولیاء دم هر یک به تعداد پنج بار اجرای قسامه کرده... پدر مقتول با نام جلاله پنج بار سوگند یاد کرده که آقای... قاتل فرزندش می باشد... دادگاه با اعلام ختم دادرسی و با شرح مختصر جریان امر و با ذکر این جمله «بنابر مراتب معروضه در فوق اگرچه قرائن و امارات ظنییه... به یقین و علم در پرونده موجود است ولی دادگاه به لحاظ اهمیت دماء از آن طرف نظر و قضیه را بر اساس قسامه برگزار نموده... برهکاری... در قتل عمدی... با آلت قتاله محرز و مدلل به دلیل شرعی میداند و مستنداً به مواد ۱ و بند ب ماده ۲ و بند ۳ ماده ۲۷ و ماده ۲۷ و ۲۸ و ۲۸ و ۴۳ و ۴۷ قانون حدود و قصاص حکم به قصاص نفس صادر کرده است...

نظر شعبه دیوان در نقض رأی دادگاه:

نظر به اینکه رابطه خویشاوندان نسبی تعدادی از حالفین یا مدعی قید و احراز نشده که باید بموجب ماده ۲۴۹ قانون مجازات اسلامی احراز شود و همچنین علم قسم خوردندگان قید و احراز نشده که به موجب ماده ۲۵۱ قانون مذکور، حالفین باید علم بوقوع حادثه و استناد آنرا به متهم داشته باشند و نیز در متعلق قسم «نوع» قتل ذکر نشده که به موجب ماده ۵۲ قانون مذکور باید ذکر شود. (۲۰/۴۹۹/۷۱)

۳-۳-۴ اجرای مراسم قسامه بدون حضور متهم

در این پرونده، شعبه محترم دیوان قبل از دویز اظهار کرده است و متذکر شده که دادگاه در عمل به قسمه و اتیان سوگند، رعایت ماده ۲۸ قانون حدود و قصاص را نکرده و پرونده برای تکمیل قسامه ارسال شده و شعبه دادگاه در غیاب متهم با قسم چهار نفر پدر و برادر و عمو و پسر عمه مقتول حکم به قصاص نفس صادر کرده است و دادگاه در باین دادنامه... مأمورین و مقامات انتظامی را موظف کرده است که به محض رویت محکوم علیه را دستگیر و تحویل زندان دهند تا حکم درباره اش اجرا شود.

نظر شعبه دیوان در خصوص رأی دادگاه:

... با عنایت به اینکه در غیاب متهم با قسم چهار نفر از بستگان مقتول حکم به قصاص نفس متهم صادر و اعلام داشته نشر به عدم حضور متهم و وکیل وی در جلسه دادرسی و اتیان سوگند و جاهت قانونی نداشته علیهذا... (۱۲/۲۴۶/۷۱)

۳-۳-۵ عدم احراز علم حالفین

آقایان ۱... و ۲... متهمند به قتل عمدی. باتوجه به گزارش مأمورین انتظامی و گواهی پزشکی قانونی و اظهارات و دفاعیات متهمین و سایر محتویات پرونده و نظر به اینکه بر فرض صحت اعتراضات متهم ردیف ۲ در مراحل بدوی تحقیقات مبنی بر این که یک دسته بیل به مقتول زده است که کارساز نبوده ولی به لحاظ عدم شکایت اولیاء دم اینکه اعلام نمودند که شکایتی نسبت به آقای... نداریم... در خصوص قتل عمدی برائت و در خصوص ایراد ضرب، موقوفی تعقیب صادر شده است ولی از متهم ردیف یک شاکی بوده و دادگاه پس از انجام مراسم قسامه، به شرح ذیل رأی صادر می نماید:

رأی دادگاه:

در پرونده... آقای... متهم است به قتل عمدی مرحوم... باتوجه به شکایت اولیاء دم و تقاضای قصاص و شهادت شهود و برگ فوت و معاینه جسد و سابقه عدالت که مشروح جریان در پرونده منعکس است و احراز حضور متهم در صحنه نزاع و دلایل استنادی کیفر خواست، موضوع از باب لوث تشخیص و عشیره مقتول با رعایت موازین شرعی و قانونی در حضور دادگاه پنجاه مرتبه بدین ترتیب سوگند یاد نمودند (و الله قسم «آقای... عمدا... را به قتل رسانده است»).

علیهذا با محرز بودن بزه از طریق قسامه، موضوع منطبق با مواد ۱ و ۲ و ۵ و ۳۸ و ۵۲ همگی از قانون حدود و قصاص که حکم بر مأذونیت اولیاء مقتول به قصاص و اعلام متهم با رعایت غبطه صغار و تضمین حق آنها صادر و اعلام می گردد.

نظر شعبه دیوان در نقض رأی دادگاه:

نظر به مندرجات پرونده و کیفیات منعکس در آن بویژه اینکه پدر مقتول که یکی از حالفین است در موارد زیادی بیان داشته از جریان حادثه اطلاعی ندارم و از دخترم... و عروسم شنیده ام و نیز شکایت او در مراحل تحقیق از چندین نفر بوده و بنظر می رسد که سوگند او در مراسم قسامه از روی علم و اطلاع نبوده لذا حکم قصاص مستند به قسامه نقض می گردد. (۱۶/۳۷۵/۷۱)

۳-۳-۶ عدم احراز علم حالفین به انتساب قتل به قاتل و فقد قرینه ظنی بر توجه اتهام به متهم

در این پرونده... متهم است به قتل عمدی همسرش. پس از جری تشریفات قانونی دادگاه مفاد چنین رأی داده است: با توجه به شکایت والدۀ متوفیه در جلسه دادگاه و شکایت پدرش در تحقیقات مقدماتی و شکایت برادرش بعد از فوت و شهادت کسانی که موقع غسل دادن متوفیه آثار کبودی روی گردن او را مشاهده کرده اند و نظریه پزشکی که حکایت از خفگی دارد و اظهارات ضد و نقیص متهم و مادرش و تشخیص مورد از موارد لوث و انجام مراسم قسامه توسط برادر مقتوله و دفاع غیر موجه

متهم و وکیل وی، از کتاب بزه انتسابی محرز و مسلم است و طبق ماده ۲۰۵ و بند الف ماده ۲۰۶ و مواد ۳۰۰ و ۲۱۹ ق.ا.م. متهم موصوف به جرم قتل عمدی بانو... به قصاص نفس توسط اولیای دم با اذن ولی امر مسلمین مشروط به پرداخت یک دوم دیه کامله در حق متهم قبل از اجرای حکم محکوم می گردد و... که پس از تقاضای تجدیدنظر خواهی، شعبه دیوان به شرح زیر مبادرت به اظهار نظر می نماید:

نظر شعبه دیوان در نقض رأی دادگاه:

حالف باید علم به انتساب قتل به قاتل (محلوف علیه) داشته باشد و اگر قاضی احراز کند که حالف علم به انتساب قتل ندارد، این قسم اعتبار ندارد مضافاً اینکه مدعی علیه حضور خود را در محل وقوع قتل منکر شده که قرائن منکر ظنییه مورد توجه دادگاه، صرفاً ظن به وقوع قتل را می رساند یعنی اینکه مرگ طبیعی نبوده بلکه یا خودکشی بوده یا غیری او را خفه کرده است لیکن استناد به متهم فاقد قرینه ظنییه است که طبق ماده ۲۴۴ در اینجا مدعی باید اقامه بینه کند و در هر حال مورد را نمی توان از موارد لوث... دانست... لذا دادنامه نقض می گردد. (۲/۵۳۹/۷۱)

۳-۳-۷ عدم احراز اختلاف بین متهم و مقتول و رد لوث به لحاظ وجود قرائن معارض قوی.

نظر شعبه دیوان در نقض رأی دادگاه:

... عدم احراز اختلاف بین متهم و مقتول و بالآخره فقد قرائن ظنییه در پرونده که مورد را، داخل در باب لوث نماید و اگر امارات ضعیفی وجود داشته باشد معارض آن اقوی است و نمی توان با قسامه متهم را ضامن دیه دانست لذا طبق بند الف از ماده... دادنامه نقض می گردد.

قتل به واسطه قسامه تنها به قسم پنجاه نفر ثابت می شود و با تکرار قسم قتل ثابت نمی گردد. البته این بیان مخالف نظر امام و بسیاری از فقهاء دیگر می باشد.

نکته سی و هفتم - عدم جواز تکرار قسم از سوی مدعی قسامه

مقنن در سال ۱۳۸۰ با حذف قید «مدعی» از ماده ۲۴۹ و اضافه نمودن قید «مدعی علیه» به تبصره دو و سه ماده ۲۴۸ ق.ا.م. اظهاراً تکرار قسم را تنها در خصوص مدعی علیه پذیرفته است. فلذا قتل به واسطه قسامه تنها به قسم پنجاه نفر ثابت می شود و با تکرار قسم قتل ثابت نمی گردد. البته این بیان مخالف نظر امام و بسیاری از فقهاء دیگر می باشد.

نکته سی و هشتم - تعارض قسامه و اقرار

در خصوص تعارض قسامه و اقرار به این نحو که اگر بعد از اجرای قسامه کسی اقرار به قتل همان مقتول به تنهایی نماید چند نظر وجود دارد (۱). تخیر ولی دم در عمل به مقتضای قسامه یا اقرار (شیخ طوسی در خلاف) (۲) ولی دم مخیر در تکذیب خود و تصدیق مقر و یا تکذیب مقر و عمل به مقتضای قسامه است (فاضل هندی در کشف اللثام) (۳) چون قسامه با علم صورت می گیرد و ولی دم قسم به قاتل بودن دیگری خورده است قبول و

تصدیق مقرر به معنای تکذیب خود است نتیجتاً نه می‌تواند مقرر را قصاص کند نه متهمی را که قسامه بر او یاد نموده است (شیخ طوسی در مبسوط) (نقل از جواهرالکلام، ج ۴۲، ص ۲۷۴) در مجموع به نظر می‌رسد چون به واسطه اقرار ثالث به قتل شبهه در قاتل بودن متهم اول و دروغ بودن قسامه می‌رود لذا اقتضاء دارد که ابتدا قاضی در اطراف قضیه تحقیق نماید سپس اتخاذ تصمیم کند.

■ نکته سی و نهم: قرار توقف دعوی در صورت عدم رد سوگند از سوی اولیاء دم به متهم

با عنایت به گزارش قبل و دادنامه صادره به شماره ۲۰/۲۲۰ مورخ ۸۲/۶/۲۷ که صدور حکم قصاص متهم ... را بر مبنای علم با توجه به استدلالات ریاست محترم شعبه ششم دادگاه عمومی بابل صحیح ندانسته و ضمن نقض رأی صادره چنین اعلام شده است «با توجه به اینکه بالاخره فردی به قتل رسیده است و متهم در مظان اتهام می‌باشد و اقرار او نزد مأمورین و قاضی تحقیق می‌تواند از امارات ظنیه باشد فلذا موضوع در باب لوث می‌باشد. پرونده به شعبه هم‌عرض ارجاع می‌گردد.»

پس از ارسال، پرونده به شعبه یازدهم دادگاه عمومی بابل ارجاع شده است. ریاست شعبه مذکور در تاریخ ۸۲/۸/۴ اعلام داشته این دادگاه شعبه هم‌عرض دادگاه اطفال نمی‌باشد و پرونده را بدون صدور رأی به نظر ریاست دادگستری شهرستان بابل

ارسال پرونده از حوزه‌های به حوزه دیگر در صورتی امکان دارد که حوزه دادگاهی که رأی منقوض را صادر نموده بیش از یک شعبه نداشته باشد.

رسانیده است. ریاست محترم دادگستری طی شرحی پرونده را جهت ارجاع به یکی از شعب هم‌عرض دادگاه اطفال شهرستانهای همجوار به نظر ریاست محترم کل دادگستری استان مازندران رسانیده است؛ به هر حال ارسال و اعاده پرونده حاضر به دفعات صورت پذیرفته تا سرانجام پرونده به شعبه محترم پنجم دادگاه عمومی ساری ارجاع گردیده است. شعبه مذکور با این استدلال که:

اولاً ارسال پرونده از حوزه‌های به حوزه دیگر در صورتی امکان دارد که حوزه دادگاهی که رأی منقوض را صادر نموده بیش از یک شعبه نداشته باشد.

ثانیاً به موجب ماده ۲۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری دادگاهی که به جرایم اطفال رسیدگی می‌کند همان دادگاه عمومی است و دادگاه‌های عمومی از حیث درجه، نوع، صنف یکسان می‌باشند و هم‌عرض یکدیگرند و صلاحیت دادگاه اطفال نسبت به سایر شعب صلاحیت نسبی است نه صلاحیت ذاتی و به همین جهت تبصره ۲ ماده ۲۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری در حوزه‌هایی که دادگاه اطفال تشکیل نشده است دادگاه عمومی همان حوزه صالح به رسیدگی به جرایم اطفال است؛ مبادرت به صدور قرار عدم صلاحیت به شایستگی و صلاحیت رسیدگی دادگاه عمومی شهرستان بابل نموده است. پرونده به شعبه یازدهم دادگاه عمومی بابل ارجاع که به موجب قرار

صادر از این دادگاه اختلاف حاصل گردیده که شعبه دهم دادگاه تجدیدنظر استان با اعلام صلاحیت شعبه یازدهم دادگاه عمومی بابل حل اختلاف نموده است. دادگاه مذکور در تاریخ ۸۲/۱۲/۲۳ در وقت فوق‌العاده پس از درج خلاصه‌ای از جریان پرونده جهت متهم مبادرت به صدور قرار بازداشت موقت مستنداً به بند الف ماده ۳۵ قانون آیین دادرسی کیفری نموده است. در تاریخ ۸۳/۲/۲۷ پس از تعدید قرار بازداشت موقت متهم دادگاه دستور داده است که به اولیاء دم ابلاغ شود پنجاه نفر از بستگان نسبی مرد خود را با ارائه فتوایی شش‌نامه جهت اجرای قسامه معرفی نمایند.

در تاریخ ۸۳/۳/۲۷ با توجه به عدم اعاده برگ اختاریه اولیاء دم مجدداً دستور فوق الذکر صادر گردیده است.

لایحه‌ای از اولیاء دم واصل شده که به شرح آن اعلام نموده‌اند در خصوص حاضر نمودن پنجاه نفر برای سوگند، اولاً اگر پنجاه نفر داشتیم، فرزندانم را نجات می‌دادند. ثانیاً حاضر هستیم طبق تبصره ۳ ماده ۲۴۸ قانون مجازات اسلامی به جای آنها ما قسم بخوریم. در تاریخ ۸۳/۵/۲۵ دستور دادگاه در این خصوص صادر شده است. به اولیاء دم ابلاغ شود با توجه به اینکه از معرفی پنجاه نفر جهت اتیان سوگند اظهار عجز نموده‌اند جهت اداء توضیح در این مورد که آیا قسامه را به مدعی علیه رد می‌کند یا خیر، حاضر شوند. در تاریخ ۸۳/۷/۲۳ اولیاء دم در دادگاه حاضر شده‌اند ضمن اعلام عدم توانایی در معرفی پنجاه نفر جهت قسامه نیز اظهار داشته‌اند که حاضر نیستند قسم را به مدعی علیه احاله نمایند، چون قاتل است و آنها حاضرند خودشان پنجاه قسم بخورند.

سرانجام در تاریخ ۸۳/۹/۱۲ دادگاه در وقت مقرر تشکیل جلسه داده است (لازم به ذکر است شعبه یازدهم به شعبه ۱۰۲ تغییر و تبدیل شده است) اولیاء دم، متهم و وکیل او حاضر بوده‌اند سپس اولیاء دم مجدداً تقاضای قصاص متهم را نموده‌اند. دادگاه مجدداً به متهم تفهیم اتهام قتل عمدی مرحوم علی عزیزی را نموده که متهم اتهام را رد نموده است و اعلام داشته اقرار وی در آگاهی بر اثر شکنجه بوده است و قاضی محترم تحقیق هم در آنجا از وی تحقیق کرده در روز قتل اصلاً از خانه بیرون نرفته است و قضیه‌ای که بیان کرده ساختگی بوده است. وکیل متهم نیز لایحه‌ای تقدیم داشته که در جلسه مذکور توجه دادگاه را به آن جلب کرده است و اضافه نموده است، جلسه حاضر ظاهراً برای انجام مراسم قسامه می‌باشد. سپس مجدداً از اولیاء دم در خصوص اینکه آیا می‌توانند پنجاه نفر از بستگان نسبی خود را جهت قسم معرفی نمایند سؤال شده که اولیاء دم اظهار عدم توانایی کرده‌اند و اعلام داشته‌اند قسم را به متهم واگذار نمی‌کنیم. سپس آقای وکیل متهم اظهار داشته در اجرای تبصره ۳ ماده ۲۴۸ اصلاحی قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۸۰ موکل حاضر است پنجاه بار قسم یاد کند. سپس دادگاه در تاریخ ۸۳/۹/۱۷ با اعلام ختم رسیدگی مبادرت به صدور دادنامه به شماره ۱۴۷۶ و به این شرح نموده است: با توجه به اینکه راه‌های ثبوت قتل عبارتند از:

۱- اقرار ۲- شهادت دو مرد عادل ۳- علم قاضی

۴- قسامه، در خصوص اقرار متهم چون نزد مأمورین و قاضی محترم تحقیق اقرار عبدالحاکم محسوب نمی‌شود. لذا اقرار وی اعتباری ندارد. در مورد شهادت دو شاهد عادل و علم قاضی با توجه به مواد ۲۳۷ و ۲۳۸ و ۱۰۵ قانون مجازات اسلامی و با توجه به محتویات پرونده این امر حاصل نشده است. دادگاه نیز با عنایت به محتویات پرونده موضوع را از مصادیق لوث تشخیص داده با اخطار به اولیاء دم آنان از معرفی پنجاه نفر از بستگان ذکور نسبی جهت قسامه اظهار عجز نموده‌اند. از متهم نیز مطالبه قسم نکرده‌اند و حاضر به رد قسم هم نشده‌اند. لذا دادگاه با توجه به مراتب فوق و به لحاظ عدم کفایت دلیل و حصول قناعت وجدانی به استناد اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حکم به برائت متهم از اتهام انتسابی صادر و اعلام می‌نماید. رأی صادره در تاریخ ۸۳/۹/۱۹ به متهم و در تاریخ ۸۳/۹/۲۸ وفق مقررات ماده ۶۹ قانون آیین دادرسی مدنی به وکلای متهم ابلاغ شده است. در تاریخ ۸۳/۱۰/۷ وفق مقررات ماده ۶۹ قانون آیین دادرسی مدنی رأی دادگاه به آقای ... و اولیاء دم متوفی ابلاغ که در تاریخ ۸۳/۱۱/۷ لایحه تجدیدنظرخواهی اولیاء دم ثبت دفتر شعبه صادرکننده رأی شده است. سپس شعبه ۱۰۲ دادگاه عمومی نسبت به درخواست تجدیدنظر اولیاء دم به شرح دادنامه شماره ۱۶۸۷ مورخ ۸۳/۱۱/۱۹ مبادرت به صدور قرار رد درخواست به استناد ماده ۲۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری نموده است. رأی صادره در تاریخ ۸۳/۱۱/۲۸ به آقای ... احد از اولیاء دم متوفی ابلاغ شده نسبت به آن در همان تاریخ اعتراض نموده پرونده به دادگاه تجدیدنظر استان (شعبه دهم) ارجاع گردیده، دادگاه تجدیدنظر استان به شرح دادنامه شماره ۱۱۹ مورخ ۸۴/۲/۵ خود را در خصوص رسیدگی به اعتراض در مورد دادنامه شماره ۱۶۸۷ مورخ ۸۳/۱۱/۱۸ مستنداً به ماده ۲۳۳ قانون آیین دادرسی کیفری صالح ندانسته به صلاحیت رسیدگی دیوان عالی کشور اعلام نظر نموده است. پرونده به دیوان عالی کشور ارسال و به این شعبه ارجاع شده است. هیات شعبه در تاریخ بالا تشکیل گردید. پس از قرائت گزارش آقای ... عضو ممیز و نظریه کتبی جناب آقای ... دادیار محترم دیوان عالی کشور اجمالاً مبنی بر تأیید و ابرام رأی معترض عنه مشاوره نموده چنین رأی می‌دهد.

رأی: دادنامه شماره ۱۴۷۶ - ۸۳/۹/۱۷ شعبه ۱۰۲ دادگاه عمومی جزائی بابل در تاریخ ۸۳/۱۰/۷ به اولیاء دم ابلاغ و لایحه تجدیدنظرخواهی آنان به شماره ۱۰۲/۳/۸۳ - ۸۳/۱۱/۷ ثبت دفتر دادگاه شده و چون خارج از مهلت مقرر در ماده ۲۳۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری تجدیدنظرخواهی به عمل آمده است دادگاه صادر کننده رأی به موجب رأی شماره ۱۶۸۷ - ۸۳/۱۱/۱۸ مستنداً به ماده ۲۴۵ همان قانون درخواست تجدیدنظر را رد نموده این رأی به اولیاء دم ابلاغ طی لایحه‌ای علت عدم تجدیدنظرخواهی در مهلت مقرر را کوهلوت سن و تألمات روحی در اثر قتل تنها فرزندش و عدم اطلاع از قانون و شوک روانی که در اثر ابلاغ حکم برائت قاتل فرزندش به وی دست داده اعلام نموده است. نظر به اینکه عذرهای

اعلام شده موجه به نظر نمی‌رسد با رد اعتراض رأی معترض عنه عیناً ابرام می‌گردد. و اما از جهت نظارت دیوان عالی کشور بر اجرای صحیح قوانین در محاکم اعلام می‌شود رأی شماره ۱۲۷۶ - ۸۳/۹/۱۷ شعبه ۲۰۲ دادگاه عمومی بابل دارای اشتباه بین است و آن اینکه به موجب رأی شماره ۲۰/۲۲۰ - ۸۲/۶/۲۷ این شعبه موضوع در باب لوث تشخیص داده شده و شعبه مرجع الیه نیز این نظر را پذیرفته و از اولیاء دم خواسته پنجاه نفر از بستگان نسبی خود را برای اجرای قسامه به دادگاه معرفی کند و چون اولیاء دم از معرفی پنجاه نفر اظهار عجز نموده‌اند و قسامه را نیز به مدعی علیه رد نکرده‌اند حکم بر برائت متهم صادر نموده و حال آنکه می‌بایست قرار توقف دعوی صادر کند و لذا چون صدور حکم بر برائت متهم رجاحت قانونی ندارد پرونده به حوزه نظارت قضایی ویژه قوه قضائیه ارسال تا از طریق اعمال ماده ۲ قانون وظایف و اختیارات رئیس محترم قوه قضائیه اقدام نمایند. مقرر است دفتر رونوشت دادنامه عطف به سابقه به منظور ضبط در سابقه به شعبه ۱۰۲ دادگاه عمومي جزائی بابل ارسال گردد.

محمد ناصری صالح آباد
رئیس شعبه بیستم دیوان عالی کشور سید عبدالرضا طباطبائی
عضو معاون

نکته چهارم: نتیجه

فقها اتفاق نظر دارند که قسامه موجب تکلیف عاقله به پرداخت دیه در قتل خطای محض و شبه عمد است؛ اما در قتل عمد، نظریه فقها مختلف است.

حنفیه و شافعیه اعتقاد دارند که قسامه موجب قصاص نمی‌شود؛ بلکه موجب پرداخت دیه از سوی قاتل خواهد شد؛ چرا که پیامبر در قسامه به دیه حکم داد و فرقی بین عمد و غیر عمد قاتل نشد. مضاف بر اینکه قسامه دلیل ضعیف و مشتمل بر شبهه است. پس نمی‌تواند موجب قصاص شود؛ زیرا احتیاط در خون مسلمان واجب است.

در خصوص مقتولی که بین دو قریبه یافت شد، حضرت علی (ع) و عمر حکم به پرداخت دیه از سوی قریب‌ای که به مقتول نزدیکتر بود دادند؛ اما مالکیه و حنابله اعتقاد دارند که قسامه در قتل عمد موجب قصاص است. مالکیه معتقد است که اگر تعداد متهمان از یک نفر بیشتر باشد، با قسامه نمی‌توان بیش از یکی را قصاص کرد و حنابله معتقدند که هرگاه شرط مکافات (تساوی) نباشد، قسامه موجب قصاص نیست؛ مثلاً اگر قاتل بیش از یک نفر باشد یا مقتول زن و قاتل مرد باشد.

دو فرقه فوق، وجوب قصاص را با دو خبر صحیح استلال کرده‌اند. در خبر صحیح آمده است: آیا قسم می‌جوئید و صاحب خون می‌شوید؟ و دیگر اینکه پس قتل تسلیم شما می‌شود.

در قتل عمد به این دلیل قسامه موجب قصاص است که قسامه یکی از ادله اثبات قتل عمد است؛ همانطور که با شهادت دو مرد قتل عمد ثابت می‌شود. روایتی از عامر نقل شده است که پیامبر در طائف با قسامه حکم به قصاص داد.

از نظر فقهای شیعه که قانون مجازات اسلامی (ماده ۲۳۵) نیز طبق آن است. تعداد قسم در قسامه برای قتل عمد، ۵۰ قسم و برای شبه عمد و خطای محض ۲۵ قسم است.

همچنین بر خلاف نظریه فقهای اهل سنت، فقهای شیعه اعتقاد دارند که قسامه در قتل عمد موجب قصاص و در قتل شبه عمد موجب پرداخت دیه از سوی قاتل و در خطای محض موجب پرداخت دیه از سوی عاقله است.

به نظر می‌رسد، با توجه به شرایطی که در مباحث پیش گفتیم، اولاً: استفاده از قسامه برای اثبات قتل، در زمان کنونی تقریباً امری غیر عملی است. ثانیاً: اثبات قصاص امری بعید است؛ به خصوص آنکه نظر به وجود اختلافات فقهی، بی‌گمان از موارد شبهه است و شمول قاعده در آن، همانطور که قبلاً بحث شد، نسبت به موارد قصاص خالی از توجیه نیست و به هر حال مقتضای احتیاط در دماء، عدم قصاص است.

نکته چهارم و یکم: تصنیف در پرداخت

تاریخ: ۸۶/۹/۱۴ شماره پرونده: ۲۵۸/۸۳/۱۰۱ شماره دادنامه: ۵۶۱
مرجع رسیدگی: شعبه ۱۰۱ کیفری دادگستری گرمسار
شاکی اولیاء دم ... با وکالت آقای ... به آدرس ...
متهم: (۱) ... (۲) ... (۳) ... (۴) ... (۵) ... (۶) ... همگی با وکالت آقای ... عریضه نویسی ...

موضوع: قتل عمدی

در خصوص شکایت شاکی علیه متهم در وقت فوق العاده مقرر جلسه دادگاه به تصدی امضاءکننده ذیل تشکیل است و پس از بررسی محتویات پرونده ختم جلسه را اعلام به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی دادگاه:

الف- متهمین و موضوع اتهام آقایان (۱) ... آزاد با قرار قبول وثیقه (۲) ... آزاد، با قرار قبول وثیقه (۳) ... آزاد، با قرار قبول وثیقه (۴) ... آزاد، با قرار قبول وثیقه (۵) ... آزاد، با قرار قبول وثیقه (۶) ... آزاد، با قرار قبول وثیقه با وکالت تسخیری آقای ... حسب شکایت اولیاء دم ... با وکالت آقای ... تحت تعقیب واقع و متهم به قتل عمدی مرحوم ... هستند.

ب- ماوقع و سوابق رسیدگی: به حکایت اوراق پرونده در تاریخ ۷۵/۱/۲۷ حدود ساعت ۱۸ در میدان ایوانکی نزاعی بین آقایان (۱) ... (۲) ... (۳) ... (۴) ... از یک طرف و آقایان (۱) ... (۲) ... (۳) ... واقع می‌شود. نتیجه نزاع مجروح شدن ... بوده که با حضور مردم و اطلاع نیروی انتظامی مشارالیه محل را ترک می‌کنند. به جهت نتیجه واقع شده و مجروح شدن ... به منظور انتقام، چهار نفر اول با دو دستگاه موتورسیکلت به سمت بلوار حرکت می‌کنند و طبق اظهارات منعکس در پرونده با آقایان ... و ... که از خویشاوندان آنها بوده‌اند برخورد و ماجرای نزاع و مجروح شدن علی را تعریف می‌کنند. در این بین ظاهراً ... می‌گوید پدر ... در بنگاه صداقت می‌باشند. به این ترتیب متهمین فوق‌الذکر با سه دستگاه موتورسیکلت به طرف بنگاه حرکت کرده و حسب اوراق پرونده و اظهارات

متهمین در تحقیقات، شش نفر وارذ بنگاه شده با آقایان ... و ... درگیر شده نزاع منجر به قتل آقای ... و مجروح شدن آقای ... شود. متهمین از محل متواری می‌شوند. پزشکی قانونی پس از معاینه مقتول علت مرگ را پارگی ریه در اثر فرو رفتن جسم برنده و نوک تیز به قفسه سینه و خونریزی ناشی از آن اعلام می‌نماید. به این ترتیب متهمین تحت تعقیب واقع و تحقیقات در خصوص وارذکننده ضربه منجر به مرگ شروع می‌شود. پس از دستگیری هیچ یک از متهمین به ایراد جرح منجر به قتل اقرار نداشته و افرادی که در بنگاه و یا اطراف بنگاه بوده‌اند نیز اظهار بی‌اطلاعی نموده‌اند. آقای ... در تحقیقات در خصوص اینکه چه کسی به ... ضربه زد اظهار بی‌اطلاعی نموده و در خصوص نحوه و کیفیت مجروح شدن خود نیز اظهارات توأم با تعارض دارد. در تحقیقاتی هم که اداره آگاهی از متهمین می‌نماید آنها منکر ارتکاب عمل می‌شوند در این بین آقای ... در تاریخ ۷۵/۳/۲۸ در دایره آگاهی اقرار به قتل نموده و در تاریخ ۷۵/۳/۳۰ ضمن انکار ارتکاب عمل، آقای ... رابه عنوان مرتکب معرفی می‌نماید. آقای ... نیز در تاریخ‌های ۷۵/۳/۳۱، ۷۵/۴/۱، ۴/۲/۷۵/۵ در اداره آگاهی اقرار به قتل نموده و متعاقباً در تاریخ ۷۵/۵/۶ اقرار عدول می‌نماید. وسیله ارتکاب جرم در تحقیقات کشف نگردیده و متهمین در تمام مراحل دادرسی منکر ارتکاب بزه و ایراد جرح به

بر خلاف نظریه فقهای اهل سنت، فقهای شیعه اعتقاد دارند که قسامه در قتل عمد موجب قصاص و در قتل شبه عمد موجب پرداخت دیه از سوی قاتل و در خطای محض موجب پرداخت دیه از سوی عاقله است.

مقتول می‌شوند. دادگاه عمومی بخش ایوانکی پس از جری تشریفات و به موجب دادنامه شماره ۲۷۹ - ۷۵/۹/۱۳ در خصوص قتل موضوع را از موارد لوث تشخیص و به شرح، استدلال و مستندات منعکس در دادنامه حکم به قصاص نفس آقای ... صادر می‌نماید و در خصوص متهمین دیگر در خصوص ارتکاب قتل رای بر برائت صادر می‌نماید. متهم از این رأی تجدیدنظر خواسته شعبه محترم دیوان عالی کشور به شرح و استدلال منعکس در دادنامه شماره ۲/۶۱۴ - ۷۵/۲/۱۸ موضوع را مصداق لوث ندانسته حکم به نقض دادنامه صادر می‌نمایند. در قسمتی از این دادنامه آمده است: (ثالثاً به موجب ماده ۲۳۹ قانون مذکور در صورتی نوبت به قسامه می‌رسد که قاضی به موجب یکی از جهاتی که در ماده مذکور آمده ظن به وقوع قتل از ناحیه متهم پیدا کند که در این زمینه به خصوص نسبت به ... هیچ‌گونه مدرک ظنی اور هم نیست. رابعاً ماده ۲۲۲ اگر نشانه‌های ظنی هم باشد به علت معارض بودن مورد را از موارد لوث خارج می‌کند. خامساً باید افرادی که قسم می‌خورند یقین به وقوع قتل از طرف متهم داشته باشند با وضعیت پرونده‌ها کسانی که در صحنه نبوده‌اند، چگونه قطع پیدا کرده‌اند. آیا عدم آن برای قاضی محترم محرز نبوده) به هر ترتیب رسیدگی به شعبه چهارم دادگاه عمومی سمنان ارجاع، دادگاه مرجع‌الیه پس از جری تشریفات به شرح و استدلال منعکس در

دادنامه شماره ۱۲۱۰ - ۷۶/۹/۴ اجمالاً حکم به برائت متهمین از ارتکاب قتل صادر می‌نماید. آقای وکیل اولیاء دم در خصوص موضوع قتل به این رأی اعتراض نموده، رسیدگی مجدد در شعبه محترم دوم دیوان عالی کشور به عمل می‌آید. شعبه محترم دیوان پس از رسیدگی به موجب دادنامه شماره ۲/۳۲۶ - ۷۷/۵/۲۸ و پس از ذکر جهات ایراد دادنامه بدوی و با استدلال مبنی بر اینکه (و وقوع قتل عمدی و معلوم بودن شرکت‌کنندگان در منازعه منجر به قتل عمدی و با توجه به این مطلب که خون مسلم نباید هدر رود و دادگاه مکلف به رسیدگی دقیق و کشف حقیقت می‌باشد...) دادنامه تجدیدنظر خواسته را برخلاف موازین شرعی و قانونی تشخیص ضمن نقض آن پرونده را برای رسیدگی مجدد اعاده می‌نماید. نهایت رسیدگی به شعبه سوم دادگاه عمومی سابق گرمسار ارجاع می‌شود. این شعبه نیز پس از جری تشریفات به موجب دادنامه شماره ۱۵۶۴ - ۸۱/۸/۱۴ ضمن منتهی دانستن قصاص و با استدلال مرقوم و استناد به ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی حکم به محکومیت متهمین به نحو تساوی به پرداخت یک و یک سوم دیه کامل مرد مسلمان در حق اولیاء دم مقتول محکوم می‌نماید. آقای وکیل اولیاء دم از این حکم تجدیدنظر خواسته شعبه محترم دوم دیوان به موجب دادنامه شماره ۸۸ - ۸۳/۳/۱۷ این چنین انشاء رأی می‌نماید: (با فرض احراز حضور شش نفر مذکور در صحنه نزاع و در

به جهت حصول شبهه (جهل به تعیین کبیر قصاص منتهی با لحاظ قاعده «لا یبطل دم امرء مسلم» نوبت به دیه می‌رسد

درگیری داخل مغازه و فرض حصول علم اجمالی به وقوع جنایت (قتل) توسط یکی از شش نفر و عدم اقامه دلیل شرعی به قاتل بودن یکی از آنان، طبق مدلول ماده ۳۱۵ قانون مجازات اسلامی هر چند قصاص منتهی است ولی دیه باید به قید قرعه توسط یکی از آن شش نفر پرداخت گردد و محکومیت متهمین موصوف به پرداخت یک فقره دیه آن هم به استناد ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی و استناد قتل به همه آنها خلاف موازین حتی خلاف علم اجمالی است...) به این ترتیب حکم به نقض دادنامه صادر می‌نماید. پس از اعاده پرونده و ارجاع به این دادگاه، آقای ... وکیل متهمین به موجب لایحه شماره ۱۴۴ - ۸۴/۲/۲۴ استعفاى خود را اعلام، متهمین در جلسه دادرسی مورخ ۸۴/۲/۲۵ جهت تعیین وکیل مهلت‌خواهی می‌نمایند. دادگاه برای تعیین و معرفی وکیل یا اعلام مراتب جهت تعیین وکیل تسخیری به متهمین اخطار می‌نماید. به جهت عدم اقدام آنها و ضرورت امر در نهایت دادگاه آقای ... را به عنوان وکیل تسخیری متهمین تعیین می‌نماید. به این ترتیب پس از تعیین وقت دادرسی به تاریخ ۸۵/۹/۲۰ با حضور اولیای دم و آقای وکیل ایشان و متهمین و آقای وکیل ایشان تشکیل جلسه داده اولیای دم جملگی شکایت خود را از قاتل اعلام و تقاضای قصاص نموده‌اند. آقای وکیل ایشان نیز پس از ذکر مطالبی نتیجه رای دادگاه بخش ایوانکی

را صائب تشخیص داده‌اند. متهمین نیز در مقام دفاع منکر ارتکاب بزه شده‌اند وکیل ایشان نیز علاوه بر تقدیم لایحه شماره ۵۱۱ - ۸۵/۹/۲۰ اظهاراتی در مقام دفاع بیان داشته‌اند. پس از اخذ آخرین دفاع دادگاه ختم دادرسی را اعلام می‌نماید.

ج - استدلال دادگاه: با توجه به شرح فوق، حضور همه متهمین در زمان نزاع محرز بوده ولی مرتکب ایراد جرح منجر به قتل حسب تحقیقات به علم و یقین معلوم نشده و بینه‌ای نیز در این خصوص اقامه نگردیده است. بنابراین به جهت حصول شبهه (جهل به تعیین) کبیر قصاص منتهی با لحاظ قاعده «لا یبطل دم امرء مسلم» نوبت به دیه می‌رسد. در خصوص تعیین مسئول پرداخت دیه به نحو مطرح شده به نظر دادگاه قوانین کیفری مسکوت بوده و مقررات ماده ۳۱۵ قانون مجازات اسلامی نیز منصرف از موضوع می‌باشد. چرا که حکم مقرر در ماده ۳۱۵ قانون مرقوم ناظر به «دو نفر» بوده و تسری حکم به بیش از دو نفر آن‌هم در وضعیت فعلی که متهمین از خود نفی ارتکاب می‌کنند خلاف اصل و محتاج نص است و در خصوص وحدت ملاک صرف نظر از عدم جواز وحدت ملاک در امر کیفری و با توجه به اینکه «قرعه» اصل می‌باشد نه اماره (آیت‌الله فاضل لنکرانی، القواعد الفقهیه، ج اول ۱۴۱۶ هـ.ق. ص ۲۳۵ - ۲۳۴) تسری آن به غیر حکم (بیش از دو نفر) بی‌اشکال نبوده مورد استعمال آن منصوص و ناظر به مواردی است که فقهای عظام به آن عمل کرده باشند. به این ترتیب با توجه به خروج موضوع از مقررات ماده ۳۱۵ قانون مجازات اسلامی و سکوت قانون با لحاظ اصل ۶۷ قانون اساسی تکلیف تمسک به منابع معتبر اسلامی و فتاوی معتبر می‌باشد. در این راستا با مراجعه به منابع اسلامی و فتاوی ترجیح تصصیف دیه به استناد اصل «عدل و انصاف» بر اصل قرعه استحضار می‌شود و در این راستا به ادله و منابع زیر می‌توان استناد جست:

- ۱- روایت محمد بن سهل که از امیرالمومنین (ع) سؤال شد جنازه‌ای در قبیله‌ای یا خانه‌ای یافت شد و علیه آن ادعا شد حضرت فرمود: قصاص بر آنها نیست و خون مقتول به هدر نمی‌رود و دیه بر آنهاست (قال: لیس علیهم قودو لا یبطل دمه، علیهم الدیه) (وسایل الشیعه (الاسلامیه) ج ۱۹، ص ۱۱۳)
- ۲- امیرالمومنین (ع) در خصوص چهار مست که پس از شرب خمر با سلاح به جان هم افتاده و در نتیجه نزاع آنها دو نفر مقتول و دو نفر دیگر مجروح شدند، فرمودند: دیه مقتولین را هر چهار قبیله بردارد و دیه جراحت مجروحین از مقتولین کسر گردد. (فقال علی (ع) بل الاله جعل دیه المقتولین علی القبایل الاربعه، و اخذ دیه جراحه الباقین من دیه المقتولین - وسائل الشیعه (ال بیت) ج ۲۹ ف ص ۲۳۳ - ۲۳۴) و بعضی فقها معتقدند حضرت (ع) دیه را بر قبایل چهار نفر به جهت قاعده عدل و انصاف تحمیل نموده‌اند (سیدمحمدحسین شیرازی، کتاب القصاص، ۱۴۰۹ هـ.ق. ص ۱۹۴) ۳- مرحوم صاحب جواهر نیز در همین رابطه پس از اینکه قول به قرعه و تصصیف را مطرح می‌کنند قول به توزیع دیه را ترجیح می‌دهند. (جواهر الکلام، ج ۴۲ ص ۱۹۵) ۴- در بین فتاوی معتبر حضرات آیات عظام بهجت، صافی گلپایگانی، مکارم شیرازی و نوری همدانی تصصیف دیه را ترجیح

داده‌اند. (مجموعه نظریات مشورتی فقهی در امور کیفری، ج اول، ۱۳۸۱ ش، ص ۹۵) شد موازین عقلی و عدالت از این جهت در جایی که اماره‌ای برای تعیین صاحب واقعی تکلیف وجود نداشته باشد؛ در حقیقت تکلیف جمعی مقتضی قاعده است. چون تکلیف هر یک از مرتکبین به پرداخت دیه ترجیح بلامرجح بوده و رهاکردن مقصرین نیز موجب هدر رفتن حق است. پس مقتضی جمع طرفین شبهه که همان تصصیف است می‌باشد. مضافاً مخالفت قطعی در بعضی بر احتمال مخالفت در کل مقدم است. (نتیجه: به این ترتیب با توجه به جامع اوراق و محتویات پرونده، شرح و استدلال‌های فوق، احراز حضور و تفسیر متهمین در صحنه نزاع و انتساب نتیجه (قتل) به نزاع واقع شده حسب نظریه پزشکی قانونی و تحقیقات، دادگاه بزهدکاری متهمین را محرز و مسلم تشخیص داده از جهت ضمانت اجرا با توجه به عدم تعیین مرتکب به علم و یقین حسب تحقیقات و نتیجتاً انتفاء قصاص به جهت حصول شبهه و با توجه به تفسیر مرتکبین در وقوع نزاع و نتیجه (قتل) و قاعده لا یبطل دم امرء مسلم (از جهت تعیین مسئول پرداخت دیه نه انتساب قتل) و خروج موضوع از مقررات ماده ۳۱۵ قانون مجازات اسلامی به استدلال فوق و لحاظ سکوت قانون و استناد به اصل ۱۶۷ قانون اساسی و منابع اسلامی و فتاوی معتبر که شرح آن در بند «ج» گذشت و قاعده عدل و انصاف حکم به محکومیت متهمین متساویاً به پرداخت یک دیه قتل مرد مسلمان به علاوه یک سوم دیه قتل از جهت تغلیظ و وقوع قتل با ماه ذیقعد (استناد به ماده ۲۹۹ قانون مجازات اسلامی) در حق اولیاء دم صادر و اعلام می‌نماید. رأی صادر شده حضوری محسوب در مهلت بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر در دیوان محترم عالی کشور می‌باشد.

منابع:

- ۱- تحریر الوسیله امام خمینی عشاء اعتماد قم
- ۲- الفقه الاسلامی اذله - التحلیلی دارالفکر دمشق، سوریه
- ۳- مسأله تکمله المنهاج - آیت... خوبی مطبعه الاراب نجف، بی تا
- ۴- قواعد فقه بخش جزایی محقق داماد - مرکز نشر علوم اسلامی
- ۵- دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری در اسلام - آیت... حسین مرعشی - نشر میزان
- ۶- قسامه در نظام قضایی اسلام - محمدعلی رازی زاده - انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم
- ۷- شرح حدود و قصاص - آیت... حسن مرعشی - انتشارات آموزش دادگستری
- ۸- فقه تطبیقی - آیت... موسوی بجنوردی - نشر مبعاد
- ۹- جزوات قواعد فقه - آیت... عمید زنجانی - جزوه دکتری
- ۱۰- علل نقض آراء کیفری دیوانعالی کشور - یداله بازگیر - انتشارات میزان
- ۱۱- التشریح الجنایی الاسلامی - عبدالقادر عوده - مکتبه دارالانوار
- ۱۲- مغنی المحتاج - شیخ محمد خطیب شیرینی

* محمدرضا زندی